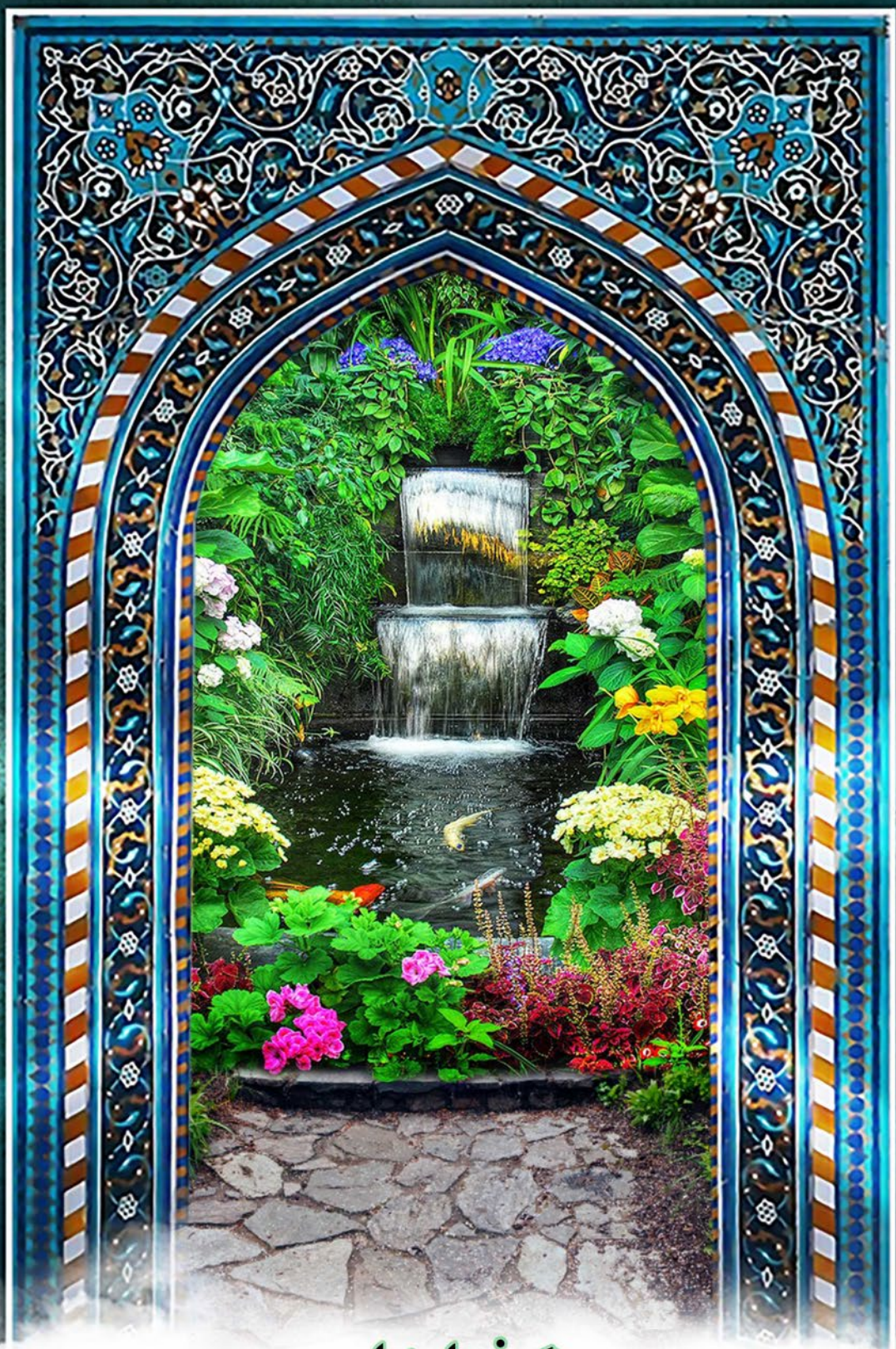




گفتارهای

مِنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ معنا و مراتب ایمان و کفر

بسم الله الرحمن الرحيم

دوازده گفتار بسیار مهم از آن جناب در تبیین شرک، توحید، اسلام و ایمان

۱. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَاسَانِيَّ يَقُولُ: مَنْ وَحَدَ اللَّهَ فِي الْخَلْقِ وَالرِّزْقِ وَتَدْبِيرِ الْعَالَمِ وَشَهِدَ أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ فَقَدْ أَسْلَمَ، وَلَكِنَّهُ لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ حَتَّى يُقَرَّ بِأَنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ لَا شَرِيكَ لَهُ فِي الْحُكْمِ وَالْمُلْكِ لَا يُضَدَّرُ حُكْمًا وَلَا يَبْعَثُ مَلِكًا إِلَّا هُوَ، فَإِنْ جَهِلَ ذَلِكَ فَهُوَ ضَالٌّ وَإِنْ جَحَدَهُ فَهُوَ مُشْرِكٌ.

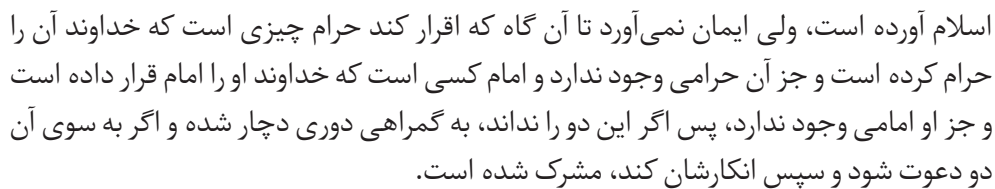
ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید: هر کس خداوند را در آفریدن، روزی دادن و تدبیر کردن جهان یگانه بداند و گواهی دهد که پیامبر حق است، مسلمان است، ولی مؤمن نیست تا آن گاه که اقرار کند خداوند در حکم دادن و حکومت کردن نیز یکی است و شریکی ندارد، (به این معنا که) کسی جز او قانونی نمی‌گذارد و حاکمی بر نمی‌انگیزد، پس اگر این را نداند، گمراه است و اگر آن را انکار کند، مشرک است.

۲. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مَنْ أَقَرَّ بِأَنَّ اللَّهَ خَالِقُهُ وَرَازِقُهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ فَقَدْ أَسْلَمَ وَلَا يُؤْمِنُ حَتَّى يُقَرَّ بِأَنَّ الْحَرَامَ مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ لَا حَرَامَ غَيْرِهِ وَأَنَّ الْإِمَامَ مَنْ جَعَلَهُ اللَّهُ إِمَامًا لَا إِمَامَ غَيْرَهُ، فَإِنْ جَهِلَهُمَا فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا وَإِنْ دَعِيَ إِلَيْهِمَا ثُمَّ أَنْكَرَهُمَا فَقَدْ أَشْرَكَ.

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هر کس اقرار کند که خداوند آفریدگار و روزی دهنده‌ی اوست و محمد فرستاده‌ی خداوند و خاتم پیامبران است،



٣. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ الْخُرَاسَانِيُّ، قَالَ: قَالَ الْمَنْصُورُ: مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصَّوْمَ وَالْحَجَّ وَالْجِهَادَ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ فَهُوَ مُسْلِمٌ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّهُ لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ حَتَّى يَشْهَدَ أَنْ لَا حُكْمَ إِلَّا مَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ وَلَا حَاكِمَ إِلَّا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ بَايَةَ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ وَصِيَّةٍ مِنْ رَسُولِهِ، فَإِنْ جَهِلَ ذَلِكَ فَقَدْ ضَلَّ وَخَسِرَ وَإِنْ أُلْقِيَ إِلَيْهِ فَأَبَى فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

ذاکر بن معروف خراسانی ما را خبر داد، گفت: منصور فرمود: هر کس شهادت دهد که جز الله خدایی نیست و محمد بنده و فرستاده‌ی اوست و بهشت حقیقت دارد و دوزخ حقیقت دارد و قیامت فرا می‌رسد و در آن تردیدی نیست و نماز و زکات و روزه و حج و جهاد فریضه‌ی الهی است، او مسلمان است و جان و مالش مصونیت دارد مگر به حق، ولی مؤمن نیست تا آن گاه که شهادت دهد قانونی وجود ندارد جز چیزی که خداوند نازل کرده و حاکمی وجود ندارد جز کسی که خداوند اختیار کرده است با معجزه‌ای از نزد خود یا وصیتی از پیامبرش، پس اگر این را نداند، گمراه شده و زیان کرده است و اگر به او ابلاغ شود و (از قبولش) سر باز زند، او را با خدا کاری نیست و آنان همانا کافراند.

٤. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطَّهْرَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾، فَقَالَ: يُؤْمِنُونَ بِأَنَّ اللَّهَ خَالِقُهُمْ وَرَازِقُهُمْ وَلَكِنَّهُمْ يُشْرِكُونَ بِهِ فِي الْمُلْكِ فَيَتَّخِذُونَ أَيْمَةً وَحُكَّامًا لَمْ يَنْصِبَهُمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَيُشْرِكُونَ بِهِ فِي الشَّرْعِ فَيَتَّخِذُونَ قَوَانِينَ وَأَحْكَامًا لَمْ يَنْزِلْهَا اللَّهُ فِي كِتَابٍ وَلَا سُنَّةِ نَبِيٍّ، فَيُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ.

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می‌فرماید: «و بیشتر آن‌ها به خداوند ایمان ندارند مگر در حالی که مشرک هستند»، پس فرمود: ایمان دارند که خداوند آفریننده و روزی دهنده‌ی آن‌هاست، ولی برای او در حکومت

شریک می گیرند، پس امامان و حاکمانی اختیار می کنند که خداوند آن ها را با نام هایشان و نام های پدرانشان منصوب نکرده است و برای او در قانون گذاری شریک می گیرند، پس قوانین و احکامی اختیار می کنند که خداوند آن ها را در کتاب یا سنت پیامبری نازل نکرده است، پس به خداوند ایمان دارند در حالی که مشرک هستند.

۵. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾، فَقَالَ: هَذَا شِرْكٌ طَاعَةٌ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ أَطَاعَ غَيْرَ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ فَإِنَّهُ لَمُشْرِكٌ وَمَنْ حَكَمَ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَإِنَّهُ لَمُشْرِكٌ وَمَنْ اعْتَقَدَ خَالِقًا أَوْ رَازِقًا غَيْرَ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَمُشْرِكٌ.

ترجمه ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می فرماید: «و اگر از آنان اطاعت کنید، هرآینه شما مشرک خواهید بود»، پس فرمود: این شرک در اطاعت است، سپس فرمود: هر کس از غیر کسی که خداوند به اطاعتش امر کرده است اطاعت کند، هرآینه او مشرک است و هر کس به غیر چیزی که خداوند نازل کرده است حکم کند، هرآینه او مشرک است و هر کس به آفریننده یا روزی دهنده ای غیر خداوند اعتقاد پیدا کند، هرآینه او مشرک است.

۶. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾، فَقَالَ: هَذَا شِرْكٌ تَشْرِيعٌ، يَتَّخِذُونَ أَيْمَةً وَوُكَلَاءَ فَيَشْرَعُونَ لَهُمْ قَوَانِينَ وَأَحْكَامًا لَيْسَتْ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَلَا سُنَّةِ نَبِيِّهِ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ اتَّخَذَ شَارِعًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ اتَّخَذَ حَاكِمًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ اتَّخَذَ خَالِقًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ.

ترجمه ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می فرماید: «یا برای آنان شریکانی هستند که برایشان دینی وضع کرده اند که خداوند به آن اذن نداده است»، پس فرمود: این شرک در قانون گذاری است، پیشوایان و نمایندگان می گیرند، پس آن ها برایشان قوانین و احکامی وضع می کنند که در کتاب خداوند یا سنت پیامبرش وجود ندارد، سپس فرمود: هر کس قانون گذاری جز خداوند بگیرد، مشرک است و هر کس حاکمی جز خداوند بگیرد، مشرک است و هر کس آفریدگاری جز خداوند بگیرد، مشرک است.

۱. الأنعام / ۱۲۱

۲. الشُّورى / ۲۱

۷. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱، فَقَالَ: إِنَّمَا دَعَا إِلَيْهِمَا لِأَنَّ مِنَ الثَّالِثِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا يَجْتَنِبُ الطَّاغُوتَ، قُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟! قَالَ: يُصَلِّي لِلَّهِ وَيَذْبَحُ لَهُ وَلَكِنْ يَتَّخِذُ سُلْطَانًا يَعِصِي اللَّهَ فَيُطِيعُهُ فِي أَحْكَامِهِ، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ﴾^۲، فَقَالَ: الْإِيمَانُ بِأَنَّ اللَّهَ خَالِقُ وَرَازِقُ هُوَ نَصِيبٌ مِنَ الْكِتَابِ وَكُلُّ شَارِعٍ غَيْرِ اللَّهِ جِبْتُ وَكُلُّ حَاكِمٍ غَيْرِ اللَّهِ طَاغُوتٌ.

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می‌فرماید: «و هر آینه در هر امتی پیامبری فرستادیم که خداوند را بپرستید و از طاغوت بپرهیزد»، پس فرمود: برای این به سوی آن دو دعوت کردند که برخی از مردم خداوند را می‌پرستند، ولی از طاغوت نمی‌پرهیزند، گفتم: آن چگونه است فدایت شوم؟! فرمود: برای خداوند نماز می‌گذارند و برای او ذبح می‌کنند، ولی حاکمی را بر می‌گزینند که خداوند را نافرمانی می‌کند، پس از او در دستوراتش اطاعت می‌کنند، سپس این آیه را خواند: «آیا کسانی که نصیبی از کتاب داده شدند را ندیدی که به جبت و طاغوت ایمان می‌آورند؟!»، پس فرمود: ایمان به اینکه خداوند آفریننده و روزی دهنده است، نصیبی از کتاب است و هر قانون‌گذاری جز خداوند جبت است و هر فرمان‌روایی جز خداوند طاغوت است.

۸. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿أَوْ كُظِّلِمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ۚ كُظِّلِمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ﴾^۳، فَقَالَ: هُوَ شِرْكُ الرَّجُلِ بِاللَّهِ يُبَايِعُ سُلْطَانًا لَمْ يَأْمُرِ اللَّهُ بِمُطَاعَتِهِ فَهُوَ مَوْجٌ يَغْشَاهُ وَيَرْضَى حُكْمًا لَمْ يُزَلِّهِ اللَّهُ فَهُوَ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِ الْمَوْجِ وَيُؤْمِنُ بِخَالِقٍ أَوْ رَازِقٍ غَيْرِ اللَّهِ فَهُوَ سَحَابٌ مِنْ فَوْقِ الْمَوْجَيْنِ ﴿كُظِّلِمَاتٍ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْدِ يَرَاهَا ۚ وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾^۴.

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می‌فرماید: «یا چون تاریکی‌هایی در دریایی ژرف که موجی آن را فرا می‌گیرد و بالای

۱. النحل / ۳۶

۲. النساء / ۵۱

۳. النور / ۴۰

۴. النور / ۴۰



آن موجی دیگر است و بالای آن ابری است، تاریکی‌هایی که برخی بالای برخی دیگر است»، پس فرمود: آن شرک انسان به خداوند است، با حاکمی بیعت می‌کند که خداوند به بیعت با او امر نکرده، پس آن موجی است که او را فرا می‌گیرد و قانونی را می‌پسندد که خداوند آن را نازل نکرده، پس آن موجی بالای موج دیگر است و به آفریدگار یا روزی دهنده‌ای جز خداوند باور می‌یابد، پس آن ابری بر روی دو موج است، «تاریکی‌هایی که برخی بالای برخی دیگر است، هرگاه دست خود را بیرون می‌آورد به سختی می‌تواند آن را ببیند و هر کس خداوند برای او نوری قرار ندهد، برای او نوری نیست».

۹. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّالِقَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَمَّنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ فِي هَذَا الْأَمْرِ، فَقَالَ: مَنْ مَاتَ مِنْهُمْ وَلَمْ يُبَيِّنْ لَهُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْحُكْمِ وَالْمُلْكِ فَأَمَرُهُ إِلَى اللَّهِ، إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ بَعْدَ أَنْ أَتَاهُ الْبَيَانُ جَاحِدًا أَوْ شَاكًا أَدْخَلَ النَّارَ خَالِدًا فِيهَا، وَلَا يُقْبَلُ مِنْهُ عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهُ شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ، قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِمَا؟ قَالَ: أَنْزَلَ أَنَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ، وَأَنَّهُ يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ يَشَاءُ، مَا كَانَ لِلنَّاسِ الْخِيَرَةُ فِي حُكْمٍ وَلَا مُلْكٍ، ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۱.

ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی کسانی که از اهل قبله پرسیدم که پیش از وارد شدن به این امر مردند، پس فرمود: هر کس از آنان که مرد در حالی که آنچه خداوند درباره‌ی حکم و حکومت نازل کرده است برایش تبیین نشد، کارش با خداوند است، اگر بخواهد او را عذاب می‌کند و اگر بخواهد او را می‌آمرزد و هر کس بعد از اینکه بیان برایش آمد مرد در حالی که منکر بود یا شک داشت، به دوزخ درآمده و در آن جاودان است و هیچ عوضی از او پذیرفته نیست و هیچ شفاعتی به او سود نمی‌رساند و به هیچ روی نخواستند شد، گفتم: خداوند کارت را درست کند، خداوند درباره‌ی آن دو (یعنی حکم و حکومت) چه نازل کرده است؟ فرمود: نازل کرده است که تنها او حکم می‌کند و هیچ نقض‌کننده‌ای برای حکم او نیست و او حکومت را به هر کس که می‌خواهد می‌دهد، برای مردم هیچ اختیاری در حکم یا حکومت نیست «خداوند منزّه و برتر از چیزی است که شریک او قرار می‌دهند».

۱۰. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ الْحُجَنْدِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنِّي لَأَرَى فِي النَّاسِ مَنْ يَخْشَى اللَّهَ وَيَرْغَبُ فِي كُلِّ خَيْرٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَعْرِفُ خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَوْ يَعْرِفُهُ وَلَا يَرَى مَا نَرَى مِنَ التَّمْهِيدِ لِحُكْمِهِ، فَاسْتَوَى الْمَنْصُورُ جَالِسًا بَعْدَ أَنْ كَانَ مُتَكَيِّمًا فَقَالَ: اعْلَمْ يَا هَاشِمُ! لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمَرَ مَا عَمَرَ



نُوحٌ فِي قَوْمِهِ يَقُومُ اللَّيْلَ وَيَصُومُ النَّهَارَ ثُمَّ ذُبِحَ مَظْلُومًا كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ وَلَمْ يُحَكِّمْ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ لَخَلِيفَتِهِ: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ﴾^۱، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَهُوَ كَافِرٌ؟ قَالَ: لَيْسَ بِكَافِرٍ حَتَّى يَجْحَدَ، قُلْتُ: فَمَا الْجُحُودُ؟ قَالَ: هُوَ أَنْ يُنْكِرَ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ لَهُ، قُلْتُ: فَإِنْ جَحَدَ فَهُوَ كَافِرٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، كَافِرٌ مُشْرِكٌ.

ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خُجندی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: من گاه در میان مردم کسی را می‌بینم که از خداوند می‌ترسد و به هر خیری راغب است، جز اینکه خلیفه‌ی خداوند در زمین را نمی‌شناسد، یا می‌شناسد ولی به زمینه‌سازی برای حکومت او که ما به آن اعتقاد داریم اعتقاد ندارد، پس منصور راست نشست در حالی که پیش‌تر تکیه داده بود، پس فرمود: بدان ای هاشم! اگر بنده‌ای به اندازه‌ای که نوح در میان قومش عمر کرد عمر کند، در حالی که شب‌ها به نماز بایستد و روزها روزه بگیرد و سپس مظلومانه ذبح شود بدان سان که گوسفند ذبح می‌شود، ولی خلیفه‌ی خداوند در زمین را حاکم نسازد، مؤمن نیست و این سخن خداوند است که به خلیفه‌ی خود فرموده است: «نه به پروردگارت سوگند، مؤمن نیستند تا آن گاه که تو را حاکم سازند»، گفتم: فدایت شوم، آیا چنین کسی کافر است؟ فرمود: کافر نیست تا آن گاه که جحد کند، گفتم: جحد کردن چیست؟ فرمود: اینکه انکار کند پس از آنکه برایش توضیح داده شد، گفتم: پس اگر جحد کند کافر است؟ فرمود: آری، کافر مشرک.

۱۱. أَخْبَرَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجُزْجَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّمَا يَسْتَقْبِلُ هَذِهِ الْقِبْلَةَ ثَلَاثَةٌ: مَنْ سَمِعَ دَعْوَتِي إِلَى تَوْحِيدِ اللَّهِ فِي الشَّرْعِ وَالْمُلْكِ فَأَجَابَهَا وَاجْتَنَبَ الْجُبْتَ وَالطَّاغُوتَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ سَمِعَهَا فَلَمْ يُجِبْهَا فَهُوَ مُنَافِقٌ وَمَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا وَلَمْ يَعْرِفْ ذَلِكَ فَهُوَ مُسْلِمٌ ضَالٌّ حَتَّى يَسْمَعْهَا أَوْ يَقْبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَلَيْسَ هَذَا مُسْتَضْعَفًا؟ قَالَ: إِنْ أَخْلَدَ فِي الْجِبَالِ وَالْأَوْدِيَةِ فَهُوَ مُسْتَضْعَفٌ وَإِنْ دَخَلَ السُّوقَ وَجَالَسَ النَّاسَ وَأَحَسَّ الْإِخْتِلَافَ فَلَيْسَ بِمُسْتَضْعَفٍ، ثُمَّ رَفَعَ صَوْتَهُ فَنَادَى: أَلَا إِنَّ دَعْوَتِي هَذِهِ لَبَيَّانٌ، فَلَا تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَبَّنَا لَمْ يَأْتِنَا بَيَّانٌ!

ترجمه‌ی گفتار:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هرآینه کسانی که به این قبله روی می‌کنند سه کس هستند: کسی که دعوت من به یگانگی خداوند در قانون‌گذاری و حکومت را شنیده و اجابت کرده و از جبت و طاغوت رویگردان شده، پس او مؤمن



است و کسی که آن را شنیده و اجابت نکرده، پس او منافق است و کسی که آن را نشنیده و از این (حقیقت) آگاه نیست، پس او مسلمانی گمراه است تا هنگامی که آن را بشنود یا خداوند او را از دنیا ببرد، گفتیم: فدایت شوم، آیا این مستضعف نیست؟ فرمود: اگر همیشه در کوه‌ها و دره‌ها به سر می‌برد، مستضعف است، ولی اگر به بازار می‌آید و با مردم مجالست می‌کند و متوجه اختلاف می‌شود، مستضعف نیست. سپس صدای خود را بالا برد و ندا داد: آگاه باشید که هرآینه این دعوت من بیان است، پس در روز قیامت نگویید که پروردگارا! ما را بیانی نیامد!

۱۲. أَخْبَرَنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ السَّمَرَقَنْدِيُّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الْمَنْصُورِ يَوْمًا مِنْ أَيَّامِ الْوُبَاءِ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ قَدْ سَتَرَ فَاةً فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا زَالَ النَّاسُ فِي هُدْنَةٍ حَتَّى دَعَوْتَهُمْ إِلَى حُكْمِ اللَّهِ وَمُلْكِهِ فَتَجَاهَلُوا دَعْوَتَكَ، فَيَنْزِلُ عَلَيْهِمْ كُلُّ يَوْمٍ بَلَاءٌ جَدِيدٌ! فَقَالَ: كَانَ الْقَوْمُ مُؤْجَلِينَ مَا لَمْ يَبْلُغُهُمْ نِدَائِي، فَإِذَا بَلَغَهُمْ نِدَائِي فَلَمْ يُجِيبُوهُ انْقَطَعَ أَجْلُهُمْ وَجَاءَهُمْ مَا يُوعَدُونَ، أَلَا وَاللَّهِ لَا يَزَالُ يَسْتَدُّ عَلَيْهِمْ يَوْمًا بَعْدَ يَوْمٍ حَتَّى يُجِيبُوا أَوْ يَهْلِكُوا كَمَا هَلَكَ عَادٌ وَثَمُودُ! فَمَكَثْتُ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا لَفِي كِتَابِ اللَّهِ، قَالَ الرَّجُلُ: أَيْنَ ذَلِكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ؟ قَالَ: أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ﴾^۱ وَقَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ۝ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾^۲ وَقَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ﴾^۳ قَالَ الرَّجُلُ: صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ، ثُمَّ أَقْبَلَ الْمَنْصُورُ عَلَيَّ فَقَالَ: لَا تَدْعُوا إِلَى هَذَا الْأَمْرِ مَنْ لَا تَرْجُونَ إِجَابَتَهُ، فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا دُعِيَ إِلَيْهِ فَلَمْ يُجِبْهُ فَقَدْ بَرِئَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ تَعَالَى، قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، أَتَأْسَى عَلَى مَنْ لَا تَرْجُوا إِجَابَتَهُ؟! دَعَا يُعَجِّلُ اللَّهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ! فَسَكَتَ حَتَّى رَأَيْتُ الْعَصَبَ فِي وَجْهِهِ، فَقُلْتُ: لَا جَرَمَ أَنَا لَا نَدْعُوهُ، فَقَالَ: ادْعُوا أَوْ لَا تَدْعُوا، فَوَاللَّهِ لَا يَزَالُ يَنْتَشِرُ فِيهِمْ دَعْوَتِي مِنْ بَيْتٍ إِلَى بَيْتٍ وَمِنْ قَرْيَةٍ إِلَى قَرْيَةٍ حَتَّى يَسْمَعَهَا رِعَاةُ الْإِبِلِ فِي الصَّحَارِيِّ وَالصِّيَادُونَ فِي الْبَحَارِ ﴿وَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ﴾^۴.

ترجمه‌ی گفتار:

ابو ابراهیم سمرقندی ما را خبر داد، گفت: یکی از روزهایی که مرض مهلک (در میان مردم) شایع شده بود، نزد منصور بودم، پس مردی که دهان خود را پوشانیده بود بر او وارد شد و گفت: به خدا سوگند مردم همواره در وضعی عادی بودند تا آن گاه که آنان را به حکم خداوند و حکومت او دعوت کردی و دعوت را نشنیده گرفتند، پس هر روز بر آنان بلای تازه‌ای نازل می‌شود! پس

۱. التوبة / ۱۱۵

۲. الشعراء / ۲۰۸ و ۲۰۹

۳. طه / ۱۳۴

۴. العنکبوت / ۱۱

فرمود: مردم تا هنگامی که ندای من به آنان نرسیده بود، زمان داده شده بودند، پس چون ندای من به آنان رسید و آن را نپذیرفتند، زمانشان قطع شد و چیزی که وعده داده می‌شدند برایشان پیش آمد. آگاه باش که آن همواره -روز به روز- بر آنان شدت خواهد گرفت، تا آن گاه که بپذیرند یا مانند عاد و ثمود هلاک شوند. پس اندکی درنگ کرد و سپس فرمود: این در کتاب خداوند وجود دارد. مرد گفت: کجاست؟ خداوند کارهایت را سامان دهد، فرمود: آیا سخن خداوند بلندمرتبه را نشنیده‌ای که فرموده است: «و خداوند هرگز قومی را پس از اینکه هدایت کرد گمراه نمی‌شمارد تا آن گاه که چیزی که باید از آن بپرهیزند را برایشان روشن کند (و از آن بپرهیزند)» و فرموده است: «و ما هیچ سرزمینی را هلاک نمی‌کنیم مگر اینکه برای آن بیم دهندگانی باشند، تا مایه‌ی تذکری باشد و ما ستمکار نیستیم» و فرموده است: «و اگر پیش از این آنان را با عذابی هلاک می‌کردیم می‌گفتند: پروردگارا! چرا فرستاده‌ای را به سوی ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از اینکه خوار و بدبخت شویم؟» مرد گفت: راست گفתי فدایت شوم. سپس منصور به من روی نمود و فرمود: کسی که امیدی به پذیرفتنش ندارید را به این امر دعوت نکنید؛ چراکه مرد هرگاه به آن دعوت شود و آن را نپذیرد، از امان خداوند بلندمرتبه بیرون می‌رود. گفتم: خداوند کارهایت را سامان دهد، آیا غصه‌ی کسی را می‌خوری که امیدی به پذیرفتنش نداریم؟! بگذار خداوند روحش را زودتر به دوزخ ببرد! پس سکوت کرد تا اینکه غضب را در رویش دیدم، پس گفتم: قطعاً او را دعوت نمی‌کنیم، پس فرمود: دعوت کنید یا دعوت نکنید، به خدا سوگند دعوت من همواره در میان آنان از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر و از سرزمینی به سرزمینی دیگر گسترش خواهد یافت، تا آن گاه که شترچرانان در صحراها و ماهیگیران در دریاها نیز آن را بشنوند «و هرآینه خداوند قطعاً مؤمنان را معلوم خواهد کرد و هرآینه او قطعاً منافقان را معلوم خواهد کرد».



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.